

استقامت با هجرت

جزء ٢٤

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ
أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ

فصلت ٣٠

● فرهاد نقدی



إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ
 الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي
 كُنتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٣٠﴾ نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
 وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا نَشْتَهُى أَنفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا
 مَا تَدْعُونَ ﴿٣١﴾ نُزُلًا مِّنْ غَفُورٍ رَّحِيمٍ ﴿٣٢﴾ وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا
 مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ
 ﴿٣٣﴾ وَلَا تَسْتَوِى الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ
 فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿٣٤﴾ وَمَا يُلْقِيهَا
 إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا ذُو حِظٍّ عَظِيمٍ ﴿٣٥﴾ وَإِذَا
 يَنْزَعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
 ﴿٣٦﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا
 لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ
 إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿٣٧﴾ فَإِنِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ
 رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ ﴿٣٨﴾



حفظ کنیم



قرائت تحقیق



﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا﴾ کسانی که گفتند پروردگار ما الله است [و فهمیدند همهٔ امورشان «فقط» به دست خدا باید مدیریت بشود] و سپس بر این حرف و عملشان استقامت کردند [و با وجود سختی‌های فراوان این مسیر، آن را رها نکردند،] ﴿تَنْزِيلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَكَةَ﴾ قطعاً ملائکه به صورت پیوسته و مداوم بر آن‌ها نازل می‌شوند ﴿أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا﴾ [تا به قلب آن‌ها الهام کنند که] از آینده نترسید و برای گذشته ناراحت نباشید! ﴿وَأَبَشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾ و این مژده بر شما باد که سرانجام به بهشت خواهید رفت؛ همان بهشتی که به آن وعده داده می‌شدید. [این سرانجام را از یاد نبرید تا بتوانید پایمردی کنید.]



ببینیم



بشنویم



بیاموزیم

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوَأُوا
وَنَصَرُوا أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنَ وَٰلِدِيهِمْ
مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ اَلْتَّصُرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ
وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾^۱

اسلام دارای مؤلفه‌ها و مفاهیم کاربردی بسیاری است که توجه به هر یک از آنها می‌تواند افراد و حتی جوامع اسلامی را به سوی هدف متعالی خود رهنمون سازد. سنت تاریخی این‌گونه شکل گرفته است که در هر روزگاری و با توجه به حوادثی که اتفاق می‌افتد، برخی از این مفاهیم اصیل، خود را نشان داده و کارکرد خود را به چشم می‌آورند؛ برای مثال: در زمان دفاع مقدس، مفاهیمی مثل ایثار و شهادت بروز کرد و باعث افزایش قدرت یک ملت شد تا در مقابل اهریمن هفت‌سر ایستادگی کند؛ حرکتی که در طول تاریخ ایران بی‌سابقه بوده است. در دوران بیماری کرونا، مفهوم مواسات و همدلی، خود را نشان داد و دستگیری و کمک مؤمنانه مردم سبب شد تا مقداری از آلام و رنج‌های بسیاری از افراد و مشاغلی که به واسطه این بیماری آسیب دیده بودند، کم شود و بتوانند از این مرحله سخت زندگی به سلامت بگذرند.

اما اینکه چطور می‌شود این مفاهیم اصیل را که در نظام ارزشی و معرفتی اسلام وجود دارد، از مرحله نظر به حیطة عمل وارد کرد، جای تأمل و تفکر بسیار دارد.

مقام معظم رهبری علیه السلام این امر را نیاز تمام جوامع اسلامی می‌دانند:

یکی از نیازهایی که مورد ابتلای همه جوامع اسلامی و همه کشورهای اسلامی است و به آن نیاز دارند و به خصوص کشور عزیز ما که بحمدالله

با نظام اسلامی اداره می‌شود، عبارت است از اینکه ما مفاهیم اسلامی را به مرحله عمل و به عرصه عمل بکشانیم.^۱

این کار بسیار بزرگی است که نیاز به تلاش فراوان دارد. هر جا که این اتفاق افتاد و این مفاهیم وارد حیطة عمل شد، برای ملت و کشور، برای آبروی اسلام و جمهوری اسلامی ارزشمند بود. از سوی دیگر، هر جا که غفلت کردیم، از برکت این مفاهیم محروم شدیم.

حضرت امام خمینی علیه السلام استاد پیاده‌سازی و عملیاتی کردن این مفاهیم بودند: این مفاهیم مهمی که امام علیه السلام از آنها استفاده کردند، مثل مفهوم توکل، مفهوم تکلیف، مفهوم ایثار. این‌ها همه مفاهیم شرعی است دیگر. تا مفهوم شهادت، مفهوم جهاد؛ این‌ها مطرح شدند و با حضور امام و با تحریک امام و با تبیین امام و با خواست امام که مؤید به اراده الهی بود، وارد عمل زندگی مردم شد.^۲

یکی از راه‌هایی که می‌تواند به عملیاتی شدن این مفاهیم کمک کند، استفاده از تاریخ و سنت‌های تاریخی است. تاریخ در واقع تفسیر قرآن و زندگی ماست در صحنه‌ای دیگر. به کمک تاریخ می‌توان بسیاری از مفاهیم را در دل اهل معرفت وارد کرد و آن را پروراند. نقل داستان و تجربه کسانی که در طول تاریخ از این مفاهیم بهره‌مند شده‌اند، می‌تواند برای امروز ما راه‌گشا باشد. روش قرآن نیز در تاریخ‌گویی همین‌گونه است؛ الگویی را با ابعادی خاص مطرح می‌کند یا سنت‌های جاری را در خلال رخ داده‌ها بیان می‌کند. از طرفی وقتی تاریخ افراد مختلف در مسئله‌ای مطالعه می‌شود، تکرار صورت می‌گیرد و تکرار در عوام، مانند برهان در خواص می‌تواند نقش ایفا کند.

۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۹/۱۲/۴، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47396>

۲. همان.



یکی از این مفاهیم که در نظام ارزشی اسلام وجود دارد و بسیار کم به آن پرداخته شده و در واقع از آن غفلت شده است، مفهوم «هجرت» است. هجرت یکی از اساسی‌ترین نقش‌ها را در آغاز اسلام در پیروزی حکومت اسلامی ایفا کرد و در همهٔ زمان‌ها از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، که از یک سو، مؤمنان را از تسلیم در برابر فشار و خفقان محیط بازمی‌دارد و از سوی دیگر، عامل صدور اسلام به نقاط مختلف جهان می‌شود.

هجرت یعنی چه؟ هجرت کردن صرفاً به معنای از شهری به شهر دیگر رفتن نیست؛ بلکه یعنی یکباره از همه چیز دست شستن به خاطر هدف، به خاطر پیوستن به جامعه اسلامی است. هجرت یعنی برای بنای کاخ عظیم جامعه اسلامی، یک خشت بردن.^۱

از مهم‌ترین آیات قرآن که بحث هجرت در آن آمده، همان آیه ابتدای بحث است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَأَوْ وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَٰلِيَّتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾

«هجرت» از مادهٔ «هجر» به معنای ترک و جدایی است. مهاجرت در اصل به معنای بریدن از دیگری و ترک وی است. مقام معظم رهبری علیه السلام مسئله هجرت را ملحق به مسئله ولایت می‌کنند:

ولایت عبارت است از ایجاد رابطه و پیوند مستحکمی در میان عناصر صف مؤمن با یکدیگر و در مرتبه بعدی، ایجاد رابطه‌ای بس قوی و نیرومند میان همهٔ افرادِ صف مؤمن با آن نقطهٔ مرکزی و قدرت متمرکز

۱. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، جلسه چهارم، دسترسی در:

که اداره جامعه اسلامی بر عهده اوست؛ یعنی امام.^۱

پس باید همگی تحت ولایت امام عادل قرار بگیریم و از ولایت امام جائز خارج شویم. این خارج شدن از ولایت طاغوت و پیوستن به ولایت الهی را هجرت می‌گویند. نمونه‌ی عینی چنین هجرتی را در داستان اصحاب کهف می‌توان دید. اصحاب کهف (پاران غار)، عده‌ای مؤمن مسیحی بودند که در دوران ذقیانوس (۲۰۱-۲۵۱م)، یکی از حکمرانان روم باستان زندگی می‌کردند. آن‌ها جز یکی که چوپانی به همراه سگش بود، از اشراف‌زادگان و درباریانی بودند که دین خود را از دیگران مخفی نگاه می‌داشتند. ایشان پس از دیدن ظلم حکومت، به سمت غار حرکت کرده و چون به غار رسیدند، به خوابی عمیق فرو رفتند و در حدود ۳۰۹ سال خوابیدند. خداوند آنان را به‌گونه‌ای قرار داده بود که هرکس به آنان می‌نگریست، آنان را بیدار می‌پنداشت؛ درحالی‌که در خواب بودند. داستان این جوانمردان در آیات ابتدایی سوره کهف آمده است. این نمونه‌ای است از هجرت واقعی که از ولایت طاغوت برای حفظ ایمانشان هجرت کردند.

برخی از هجرت‌ها به دلیل اهمیتشان، مبدأ تاریخ قرار گرفتند. هجرت رسول اکرم ﷺ از مکه به مدینه و تشکیل یک جامعه و حکومت اسلامی از جمله آن‌هاست. پیامبر اکرم ﷺ در مدت ۱۳ سال که در مکه به تبلیغ اسلام پرداختند، با اختناق و شرایط خاص مکه و دشمنی‌های اهل آن مواجه شدند و کار به جایی رسید که دیگر تاب ماندن در مکه نبود. در آن مدت، افراد اندکی به حضرت ایمان آوردند و این افراد اندک هم در مکه جانشان در خطر بود و لذا تعدادی از آن‌ها برای حفظ جان خود به حبشه هجرت کردند.

۱. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، جلسه بیست‌وهشتم، دسترسی در:



با فراهم شدن زمینه تشکیل حکومت اسلامی در مدینه و گرایش دو قبیله بزرگ مدینه یعنی «اوس» و «خزرج» به اسلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تصمیم گرفت با یاران ستمدیده خویش به این شهر مهاجرت کند و کارخانه انسان‌سازی را در مدینه بنا کردند.

هجرت بعدی که در اسلام اتفاق افتاد و باز هم برای دفاع از حکومت اسلامی بود، در سال ۳۵ هجری اتفاق افتاد. پس از اینکه مردم به امیرالمؤمنین علیه السلام روی آوردند و حضرت به حکومت رسید، از اولین اقدامات ایشان تغییر مرکز خلافت از مدینه به کوفه بود. در بیان علت انتخاب کوفه به مرکز خلافت، مورخان ادله فراوانی آورده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها از این قرار است:

۱. مدینه، مرکز امتیازطلبی‌ها و ممتازانی شده بود که هر یک برای خود داعیه‌هایی داشتند و اگر مانند زبیر و طلحه مدعی خلافت نبودند، ولی مانند سعد بن ابی‌وقاص و عبدالله بن عمر کناره‌گیری کرده و مردم را از امام بیزار می‌کردند و این نوع توطئه‌ها در کنار امام علیه السلام سبب به هم‌ریختگی پایگاه اسلامی در دل حکومت اسلامی می‌شد. اینجا بود که امام با این هجرت خود، تمدن دیگری را بنا نهاد.

۲. کوفه یک شهر بین‌المللی شده بود و بسیاری از ساکنان آن، یا سربازان مسلمانی بودند که پس از پیروزی بر رومیان و ایرانیان در کوفه ساکن شده بودند، یا خاندان و تیره‌هایی از ایرانیان بودند که پس از فتح ایران به دست مسلمانان، بدان‌جا کوچ داده شده و امام در این فرصت به تصحیح روحیه انحرافی تبعیض نژادی می‌پرداخت.

۳. کوفه نسبت به متصرفات جدید مسلمانان، از خراسان تا آفریقا و از شام تا یمن، مرکزیتی نسبی داشت و زمامدار این شهر، بهتر می‌توانست سرزمین اسلامی را زیر نظر داشته باشد، تا از مدینه.

از هجرت‌های دیگر می‌توان به هجرت امام حسین علیه السلام، هجرت امام رضا علیه السلام از مدینه به مرو، و هجرت حضرت معصومه علیها السلام از مدینه به قم اشاره کرد. در تاریخ معاصر نیز هجرت‌های تاریخ‌سازی داریم؛ از جمله هجرت شیخ فضل‌الله نوری علیه السلام از سامراء و نجف به تهران که با سفارش استادشان میرزای شیرازی علیه السلام انجام شد و هجرت شیخ عبدالکریم حائری علیه السلام به قم که باعث بازتأسیس حوزه مقدس قم شد و در سال‌های بعد منشأ خدماتی گسترده به ایران و اسلام گردید.

شاید یکی از نقاط عطف انقلاب اسلامی هجرت امام خمینی علیه السلام از نجف به پاریس بود. امام در مقطعی مجبور به ترک نجف شدند و حکومت کویت نیز اجازه ورود ایشان به این کشور را نداد. امام با مشورت حاج احمدآقا به فرانسه رفتند. این هجرت به فرانسه به چند دلیل بود: اولاً، رفت و آمد مریدان امام به فرانسه راحت‌تر بود؛ دوماً، استفاده از ظرفیت حضور دانشجویانی که در اروپا بودند مغتنم بود؛ سوم، دسترسی آسان به خبرنگاران در فرانسه وجود داشت. حضرت امام در مدت حدود چهار ماهی که در فرانسه بودند، ۶۵ سخنرانی و ۱۱۷ مصاحبه انجام دادند که در این فرصت مانیفست و اعلامیه حکومت اسلامی را تبیین کردند. این از اثرات هجرت ایشان به پاریس بود.

به‌طور کلی باید گفت که ایده مرکزی مفهوم هجرت عبارت است از: ترک، جدایی، گریختن از آنچه طاغوت، ظلم، کفر و شر نامیده می‌شود، به آنچه حق، صلح، ایمان و خیر نامیده می‌شود. این هجرت شرط لازم برای رشد است؛ چراکه وقتی محیط ناایمن باشد، مراحل رشد به خوبی طی نمی‌شود و انسان به مراتب بالای کمال نمی‌رسد.

لازم نیست که هجرت حتماً در جهان خارج واقع شود؛ بلکه ممکن است این هجرت، هجرتی در نفس و مراتب آن باشد. اگر انسان خود را از شرّ نفس



اثره نجات دهد و به نفس لّوامه یا مطمئنه کوچ کند، این نیز یک مصادیق بارز هجرت است. اگر شخصی خود را به جای یک صفت رذیله، به یک صفت شریف بیاراید، این با رشد و کمال شخص سازگاری دارد و این نیز یکی از مصادیق هجرت شناخته می‌شود.

یک معنای پنهان نیز در کلمه «هجرت» پنهان است و آن، استقامت، صبر و مجاهدت است. هجرت امری سخت و دشوار است؛ چه هجرت مکانی و چه هجرت انفسی. در هجرت مکانی، شخص از هزار و یک دلبستگی که دارد، باید دل بگند و برای خدا مجاهدت کند. هجرت انفسی هم نیاز وافی به صبر و استقامت دارد؛ چراکه تمرین دادن نفس و تثبیت ملکه‌ای نفسانی، محتاج زمان و مراقبه است. آیه ۳۰ سوره مبارکه فصلت و آیه ۷۲ سوره مبارکه انفال به این مهم اشاره دارد.

ان شاء الله خداوند تبارک و تعالی به ما توفیق هجرت و استقامت و صبر در این مسیر را عطا فرماید.

